



حضرت امام‌المسلمین محمدجواد محمدتقی خراسانی
عفو شورای عالی حوزه علمیه خراسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ... عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِيُّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ جِئْتُ وَلَدَهُ مَضْرُوبًا بِهَذَا خِرَاجِهَا وَجِهَادِ عَدُوِّهَا وَاسْتِضْلَاحِ أَهْلِهَا وَ عَمَارَةِ بِلَادِهَا أَمْرَهُ يَتَقَوَّى... وَ إِنِّي بِرِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ النَّبِيِّ لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُودِهَا وَ إِضَافَتِهَا وَ أَنْ يَنْصُرَ... شَيْخَانَهُ بَقْلِيَّةٍ وَ يَدِهِ وَ لِسَانَهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكَفَّلَ بِنَصْرِ مَنْتَصِرَةٍ وَ إِغْرَازٍ مِنْ أَعْرَهِ وَ أَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنْ الشَّهَوَاتِ وَ يَزْغِيَهَا عِنْدَ الْجَمْعَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَقَارَهِ الْبَشَوِّ إِلَّا مَا رَحِمَ... ثُمَّ أَعْلَمَ يَا مَالِكُ أَنَّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَزَتْ عَلَيْهَا ذُوْلُ قَبْلِكَ مِنْ عَذْلِ وَ جَوْرِ وَ إِنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مَثَلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَدِ قَبْلِكَ وَ يَقُولُونَ فَيْكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِيهِمْ وَ إِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرِي... لَهُمْ عَلَى النَّاسِ عِبَادَةٌ فَلْيَكُنْ أَحَبَّ إِلَيْكَ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَأَمَّا لِكَ الْإِنْصَافِ شَيْخُ بَنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشَّيْخَ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافِ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ.

به نام خداوند بخشنیده مهربان، این فرمانی است از بنده خدا، علی امیرالمؤمنین، به مالک بن الحارث الاشتر در پیمانی که با او می‌نهد، هنگامی که او را فرمانروایی مصر داد تا خراج آنجا را گرد آورد و با دشمنانش پیکار کند و کار مردمش را به صلاح آورد و شهرهایش را آباد سازد.

او را به ترس از خدا و برگزیدن طاعت او بر دیگر کارها و پیروی از هرچه در کتاب خود بدان فرمان داده است. از واجبات و سنت‌هایی که فردی به سعادت نرسد، مگر به پیروی از آن‌ها، و به شقاوت نیفتد، مگر به انکار آن‌ها و ضایع گذاشتن آن‌ها. فرمان می‌دهد [و باید که خدای سبحان ربابی کند به دل و دست و زبان خود که خدای جل‌اسمه، باری کردن هر کسی را که یاری‌اش کند و عزیز داشتن هر فردی را که عزیزش دارد، بر عهده گرفته است.

و او را فرمان می‌دهد که زمام نفس خویش در برابر شهوت‌ها به دست گیرد و از سرکشی‌هایش بازدارد، زیرا نفس همواره به بدی فرمان دهد، مگر آنکه خداوند رحمت آورد.

در جلسات قبل در مورد چهار نکته بیان شده در ابتدای نامه حضرت امیر^(ع) به مالک‌اشتر صحبت کردیم، در ابتدای نامه، حضرت چهار مأموریت اساسی برای مالک بیان می‌کنند، اولین آن‌ها، توجه به توان مالی و جمع‌آوری مالیات بود. دومی آنکه فرمودند یک مأموریت کلان، مبارزه با دشمنان مصر است. در سومین فرمان فرمودند ای مالک! به دنبال آن باش که مردم مصر انسان‌های صالحی باشند. چهارمی بحث عمران و آبادی بود. امام^(ع) از مالک‌اشتر و از مدیران جامعه اسلامی می‌خواهند که تقوا داشته باشند. از مدیران جامعه اسلامی می‌خواهند که طاعت خدا را ترجیح بدهند بر طاعت دیگران.

امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «و اتباع ما امر»؛ یعنی از مالک‌اشتر و به تبع آن از همه مدیران جامعه اسلامی می‌خواهند که پیروی کنند از او امر خدا. از آنچه در قرآن کریم آمده است؛ یعنی قرآن کتاب زندگی است، نه فقط کتاب نماز و روزه، قرآن کریم نازل شده است که زندگی ما را سامان بدهد. استجیب لله و رسول، جواب بدهید به دعوت خدا و رسول خدا و رسول، شما را دعوت می‌کنند به زنده‌دلی.

اسلام می‌خواهد ما زنده بشویم از طریق عمل صالح؛ من عمل صالح، قرآن می‌گوید هرکه عمل صالح انجام بدهد، ما حیات طیبه و یک زندگی گوارا به او می‌دهیم. مدیر جامعه اسلامی خودش باید از این نظر الگو باشد و از او امر خدای متعال مطابق آنچه در قرآن ذکر شده است، چه در حوزه مسائل فردی و خانوادگی و چه در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی پیروی کند. با نقشه و راه خداست که می‌شود جامعه را به صورت متعادل و متوازن به سعادت رهنمون کرد.

بعد حضرت می‌فرماید آنچه در قرآن است، به دو دسته واجبات و مستحبات تقسیم شده است؛ چون مدیر باید به مستحبات هم درکنار واجبات، بها بدهد.

حضرت می‌فرماید، الّتی لایسعد احدون، واجبات و مستحبات مایه سعادت است که توضیح آن برای قسمت بعد آن‌شاء....

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

و السلام علیکم و رحمة الله... و برکاته.

شنیدنی



لغزش از سقوط، سنگریزه‌ای شروع شد

سمانه رضوانی ا وقتی حرف از خطاهای بقیه می‌شد یا وسط بحث داغی که مثلاً فلانی چقدر آدم اهل اعتقادی بود و حالا فلان خطا را مرتکب شده است، پدرم - خدا رحمتش کند - با یک آهی می‌گفت: «هییی... خدایا! یک لحظه من را به خودم وانگذار!».

بعد ما حواس جمع می‌شدیم که عجب حرفی... یعنی ما هم مثل بندبازها، ذره‌ای غفلت کنیم، ممکن است همان خطا را انجام دهیم؟ به قول شاعر: «لغزش از سقوط سنگریزه‌ای شروع شد، لغزش از سقوط سنگریزه‌ای شروع شد. سنگ کوچکی که از آن غافل بودند، سنگلاخی شد که صد قافله را سرنگون کرد و به خاک افکند...».

غفلت... و امان از غفلت که گریبان‌گیر سلیمان^(ع) هم شد! حالا حرف انبیا و اولیای خدا فرق می‌کند ها! برای انبیا-کسی که رسول خداست- غفلت به معنای خطا یا گناه نیست، شاید این ترکِ اولی باشد، مثلاً خدا در قرآن می‌گوید: «وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَیْمَانَ وَ اَلْقَيْنَا عَلَیْ کُرْسِیَهِ جَسَدًا ثُمَّ اَنَابَ» (ص: ۳۴).

حالا چرا خدا سلیمان را آزمون؟ می‌گویند: سلیمان^(ع) آرزو داشت فرزندان برومند و شجاعی نصیبش شود که در اداره کشور و مخصوصاً جهاد با دشمن به او کمک کنند. او دارای همسران متعدد بود. با خود گفت: «من با آن‌ها هم‌بستری می‌شوم تا فرزندان متعددی نصیبم شود و به هدف‌های من کمک کنند». ولی چون در اینجا غفلت کرد و «آن‌شاء...» -همان جمله‌ای که بیانگر اتکای انسان به خدا در همه‌حال است- نگفت، در آن زمان هیچ فرزندی از همسرانش تولد نیافت، جز فرزندی ناقص‌الخلقه، همچون جسدی بی‌روح که او را آوردند و بر کرسی او افکندند! سلیمان سخت در فکر فرورفت و ناراحت شد که چرا یک لحظه از خدا غفلت کرده و بر نیروی خودش تکیه کرده است، ولی توبه کرد. (تفسیر نمونه)

گفت: پروردگارا مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ فردی نباشد که تو بسیار بخشیده‌ای. گفت: «رَبِّ اغْفِرْ لی وَ هَبْ لی مُلْکًا لَا یَنْبَغِی لِأَخِیْ مِنْ بَعْدِی إِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ» (ص: ۳۵). سلیمان توبه کرد و خدا هم برایش سنگ تمام گذاشت.

شماره

اشنبه
۱۳ خرداد ۱۳۹۴
۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵
شماره ۲۵۰۶

۱۴



مقاله

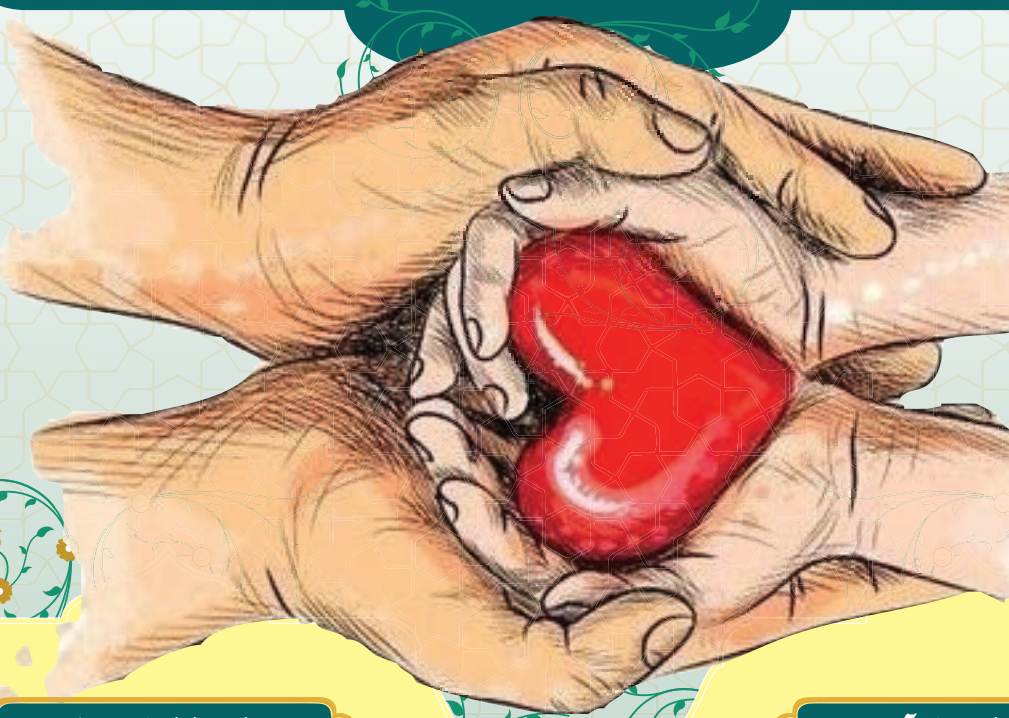
نگاهی به نعمت سلامتی و عافیت در دعا‌های امام سجاد^(ع)

صحتی که بدون گزند است

گزارش

حمیده ذاکری‌ابیشتر ما تصور می‌کنیم کلام اهل بیت^(ع) تنها به آخرت ما نظر دارد. درحالی‌که این بزرگان مانند مشاورانی زبیده، در زندگی روزمره ما نیز کنارمان هستند تا به سلامت از تنگناهای آن عبور کنیم. باتوجه به این موضوع، صحیفه سجاده‌یه نیز تنها یک نقشه راه برای سعادت اخروی نیست، بلکه زندگی امروز ما را نیز درنظر دارد و برای مشکلات آن در اندیشه گره‌گشایی است، به همین دلیل می‌توانیم این میراث گران‌بهای امام چهارم^(ع) را مانند کتابی راهنما همراه خود داشته باشیم و در سراسر زندگی از آن بهره بگیریم. امام سجاد^(ع) در این مجموعه چند دعا یا موضوع طلب تندرستی و سلامتی دارند، آن‌چنان‌که از ایشان می‌خوانند! بر محمد و آلش درود فرست و لباس عافیت بر من بیوشان و سراپایم را به عافیت فراگیر و به عافیت محفوظم دار و به عافیت گرامی‌ام دار و به عافیت بی‌نیازم کن و عافیت را بر من صدقه ده و مرا عافیت بخش و برایم بستر عافیت بگستر و عافیت را برایم از هر مانعی پیراسته ساز و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی مینداز... (صحیفه سجاده‌یه، دعای بیست‌وسوم)

مسلم است که نگاه ایشان، عمیق و گسترده است و نه تنها به سلامتی و تندرستی در بعد جسمانی توجه کرده‌اند و درخواست رهایی از بیماری و گرفتاری داشته‌اند که به عافیت طلبی به‌طورکلی هم در بعد جسمی و هم در بعد معنوی پرداخته‌اند و نسخه‌ای ارزشمند با محور سلامت و عافیت را برای ما به یادگار گذاشته‌اند، نسخه‌ای که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت تا از راهنمایی‌های آن بهره برداریم.



دعایی برای دنیا و آخرت

عافیت طلبی هرچند گاهی مترادف با راحت طلبی قرار می‌گیرد، دراصل به این معنی نیست و به صحت و سلامت جسم و روح اشاره دارد. درحقیقت عافیت، متضاد ابتلا و گرفتاری است و به معنی یابی و دوری از هرگونه آفت و ناراحتی جسمی و روحی، ظاهری و باطنی است و به همین خاطر در هنگام دعا، ما از خداوند عافیت در دنیا و آخرت را طلب می‌کنیم. امام علی^(ع) نیز در نهج‌البلاغه به این مفهوم پرداخته‌اند. از ایشان درباره طلب‌عافیت چنین می‌خوانیم: «خدا را برای آنچه عطا فرموده‌است، ستایش می‌کنیم و در کارهای خود از او یاری می‌جوییم و عافیت و سلامت در دین و عقیده را از او می‌طلبیم، همچنان‌که سلامت بدن‌ها را از او خواستاریم.» (نهج‌البلاغه، ج یک، ص ۸۶، خطبه ۹۹).

باتوجه به این معنی، عافیت یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند است که امام سجاد^(ع) در دعای بیست‌وسوم صحیفه سجاده‌یه، آن را از درگاه خداوند بزرگ درخواست کرده‌اند.

برای حرکت در مسیر بندگی

در این دعا امام سجاد^(ع) از خداوند، درخواست عافیت و تندرستی در دین، عقل، قلب و جسم کرده‌اند و به تفصیل به آن پرداخته‌اند و آثار و برکات بهره‌مندی از عافیت را معرفی کرده‌اند. ایشان در ادامه، بر یکی بودن قلب و زبان در شکرگزاری و دریافت هدایت، تأکید و از خداوند مقام خشیت را درخواست می‌کنند.

همچنین ایشان در این دعا از خداوند می‌خواهند تا در برابر شر جنیان، شیطان و مکر مردم، پناهگاهشان باشد. درحقیقت امام با این درخواست همه‌جانبه از خداوند، گویی دین و دنیای خود را بیمه کرده‌اند و در اندیشه سعادت اخروی هستند. آمده است که درحقیقت امام سجاد^(ع) با این دعا از خداوند خواسته‌اند که موانع حرکت ایشان در مسیر بندگی و سیر الی... را برطرف کند؛ زیرا هر گرفتاری یا هم‌وغم، ممکن است حرکت ما را کند کند یا ما را از مقصود حقیقی حیات که همان بندگی خداست، دور کند.

روشنا

رَسُولُ!... مَنْ سَرُّهُ أَنْ يَجِدَ طَعْمَ الْإِيمَانِ فَلْيَجِبْ الْمَرْءَ، لَا يَجِبُهُ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى (نهج‌الفصاحه، ص ۵۸۷، ج ۲۸۵۳)

رسول خدا^(ص)، کسی که دوست دارد طعم ایمان را بچشد، پس کسی را فقط برای خدا دوست بدارد.

هم‌رنگ محمد و آل محمد

مرگ محمد و آل محمد، یعنی مردن در راه حق، جان دادن برای خدا و رفتن با دل آرام و رضایت از انجام رسالت. اینکه چنین زندگی و مرگی را بخواهی، یعنی خودت از قیدهای دنیا و رسیدن به یک سبک زندگی ولایی.

زندگی محمد و آل محمد، یعنی ساده‌زیستی، مهربانی، عدالت‌خواهی، بندگی خالصانه و ایستادگی در برابر ظلم.

درحقیقت امام سجاد^(ع) در این دعا به موضوع مهمی پرداخته و با طلب صحت و عافیت برای همه امور مادی و معنوی، مراقبت از ایمان و عقیده را به ما یادآوری کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز در شرح این دعا به مفهوم حقیقی عافیت اشاره می‌کنند و در این باره می‌فرمایند: «عافیت که در روایات آمده، آن چیزی نیست که ما در عرف خودمان از آن تعبیر به عافیت طلبی می‌کنیم، که انسان در کنجی خزیده و در میدان جهاد وارد نشده، با وظایف بزرگ زندگی مواجه نگردد، بلکه مراد، عافیت در اعتقاد و عمل و محفوظ ماندن از وساوس شیطانی و نفسانی است. انسان در میدان جنگ هم باید از پروردگار طلب عافیت کند، یعنی از او بخواهد که چار شک و ترس و تزلزل نشود. امام سجاد^(ع) در دعای بیست‌وسوم صحیفه سجاده‌یه به ابعاد مختلف عافیت، اشاره کرده و آن را از پروردگار طلب نموده‌اند.»

(۱۳۷۸/۲۷، ۱۳۷۸، شرح حدیث جلسه سی‌ونهم).

نعمتی که شکر می‌خواهد

اما دیگر دعایی که در آن امام سجاد^(ع) به صحت و سلامت پرداخته‌اند، دعای پانزدهم صحیفه سجاده‌یه است. خواندن این دعا در وقت بیماری و گرفتاری یا بروز ناراحتی توصیه شده است. امام علی^(ع) می‌فرماید: «روگزار زه کمان خود را بسته است. تیرهایش خطا نرود و زخم‌هایش درمان نشود. زنده را هدف تیر مرگ قرار می‌دهد و تن درست را آماج تیر بیماری و نجات‌یافته را هدف تیر هلاکت.» (نهج‌البلاغه، ج یک، ص ۱۰۷، خطبه ۱۱۴). در دعای پانزدهم صحیفه سجاده‌یه، امام سجاد^(ع) خداوند را به خاطر نعمت سلامتی شکر می‌کنند و به آثار اخروی بیماری می‌پردازند که یکی از آن‌ها پاک شدن گناهان شخص بیمار است. ایشان هرچند در این دعا به درگاه خداوند برای سلامتی و تندرستی دعا می‌کنند، به این نکته نیز اشاره می‌کنند که بیماری می‌تواند به منزله هشداری برای ما باشد تا هم پپی به نعمت سلامتی ببریم و هم با توبه به‌سوی خداوند برویم و برای گره‌گشایی و رفع بیماری و گرفتاری، نذرش دعا کنیم.

می‌کرد. اگر امروز در برابر ظلم سکوت می‌کنی، اگر چشم بر رنج مظلوم می‌بندی، اگر دنبال شهرت و رفاه شخصی هستی، چطور می‌خواهی هم‌زیست پیامبر باشی؟ اگر مرگت را ممات علی می‌خواهی، باید بررسی‌ علی چگونه مرد در محراب عدالت. در این روز از جله زیارت عاشورا، بیاییم این جمله را ورد زبان کنیم اما نه فقط با ر تمام‌قد در میدان نبرد حق و باطل انداخته‌ای. امروز در کجای زندگی محمد و آل محمد ایستاده‌ام؟ اگر این سؤال را جدی بگیریم، قدم در مسیر اهل بیت گذاشته‌ایم، نه در خیال که در عمل.

مقالات
روز ۱۳